رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۸، شماره پیاپی ۱۱۳، آبان ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(8), 2025

تبیین علی سازگاری زناشویی بر اساس دلبستگی اجتنابی: نقش واسطه‌ای خشونت شریک عاطفی در زنان شهر کرج

Causal Explanation of Marital Adjustment Based on Avoidant Attachment: the Mediating role of Intimate Partner Violence in Karaj Women

شهرزاد ریگی
گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
دکتر سیروس شریفی (نویسنده مسئول)
گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
دکتر وحیده باباخانی
گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.
دکتر فاطمه علیجانی
گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین علی سازگاری زناشویی بر اساس دلبستگی اجتنابی: نقش واسطه‌ای خشونت شریک عاطفی در زنان شهر کرج بود. این پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز درمانی شهر کرج در سال ۱۴۰۱ بود که از بین آن‌ها تعداد ۴۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی (DAS) اسپانیر و همکاران (۱۹۷۵)، خشونت خانگی (IPV) استراوس و همکاران (۱۹۹۶) و سبک‌های دلبستگی (AAI) هازن و شاور (۱۹۸۷) پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود و دلبستگی اجتنابی به صورت مستقیم اثر منفی و معنی‌داری بر سازگاری زناشویی داشت (P<۰/۰۱). همچنین دلبستگی اجتنابی با میانجی‌گری خشونت شریک عاطفی بر سازگاری زناشویی اثر غیرمستقیم، منفی و معنی‌داری داشت (P<۰/۰۵). این نتایج نشان می‌دهد که دلبستگی اجتنابی و خشونت شریک عاطفی بر سازگاری زناشویی مؤثر بوده و لذا آگاهی روانشناسان، مشاوران، زوج‌درمانگران و سایر متخصصان مربوطه از این متغیرها می‌تواند در سازگاری زناشویی کمک‌کننده باشد.

واژه‌های کلیدی: *خشونت شریک عاطفی، دلبستگی اجتنابی، سازگاری زناشویی، زنان.*

Department of Counseling, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
Dr. Sirous Sharifi *
Department of Counseling, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
siroussharifi444@gmail.com
Dr. Vahideh Babakhani
Department of Counseling, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
Dr. Fatemeh Alijani
Department of Counseling, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Abstract

The present study aimed to investigate the causal explanation of marital adjustment based on avoidant attachment: the mediating role of intimate partner violence among women in Karaj city. This descriptive-correlational research employed a structural equation modeling approach. The statistical population included all married women referring to medical centers in Karaj in 2022, from whom 450 individuals were selected through available sampling. Participants completed the dyadic Adjustment Scale (DAS) by Spanier et al. (1975), the Intimate Partner Violence (IPV) questionnaire by Straus et al. (1996), and the adult attachment inventory (AAI) by Hazan and Shaver (1987). Data were analyzed using structural equation modeling. The results indicated that the research model had a good fit, and avoidant attachment had a direct, negative, and significant effect on marital adjustment (P< 0.01). Furthermore, avoidant attachment, through the mediation of intimate partner violence, had an indirect, negative, and significant effect on marital adjustment (P<0.05). These findings suggest that avoidant attachment and intimate partner violence significantly influence marital adjustment; therefore, awareness of these variables by psychologists, counselors, couple therapists, and other relevant professionals can be beneficial for improving marital adjustment.

Keywords: *Avoidant Attachment, Intimate Partner Violence, Marital Adjustment, Women.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت: اردیبهشت ۱۴۰۴** | **پذیرش: تیر ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۴**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

مقدمه

نظام خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که اساس و زیر ساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشری به شمار می‌رود و محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است. ازدواج و تشکیل خانواده افزون بر تأمین و ارضاء نیازهای عاطفی، روانی و جنسی می‌تواند کانون پرورش نسل‌های سالم و رشدیافته شود (کروک و اوزبک[1]، ۲۰۲۳). زنان یکی از گروه‌هایی هستند که بعضاً در خانواده‌ها مورد خشونت قرار می‌گیرند. درصد خشونت علیه زنان در تمامی کشورها حتی کشورهای پیشرفته‌ای که قوانین محکمی برای جلوگیری از خشونت وضع کرده‌اند، نگران‌کننده است (اورام[2] و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران نیز خشونت علیه زنان یک معضل اجتماعی است. به گزارش پزشکی قانونی، مقایسهٔ استان‌ها از نظر تعداد معاینات نزاع مربوط به همسرآزاری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که استان بوشهر با ۲۲ مورد و استان البرز با ۱۴۹ مورد گزارش در بین صد هزار نفر، کمترین و بیشترین میزان گزارش نزاع همسرآزاری را داشته‌اند (احمدی و همکاران، ۲۰۱۸). بر اساس آخرین آماری که رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی در زمینهٔ خشونت علیه زنان در سال ۱۳۹۷ منتشر کرد، ۴۹ درصد از زنان ایرانی آزار و اذیت فیزیکی، ۲۶ درصد عاطفی، روانی و کلامی و ۲۲/۲ درصد از آن‌ها آزارهای اجتماعی و اقتصادی دیده‌اند (خسروی و همکاران، ۲۰۲۱).

در این راستا، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در هر خانواده و در زندگی زوجین دخیل بوده و به عنوان امر مهم در خشونت علیه زنان تلقی می‌شود، سازگاری زناشویی[3] است. در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد و از این رو می‌توان گفت سازگاری زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای تعیین و نشان دادن میزان شادی و پایداری رابطه است (کیم[4] و همکاران، ۲۰۱۸). سازگاری زناشویی حالتی است که در آن یک احساس کلی از رضایت و شادکامی در زن و شوهر نسبت به ازدواجشان و نسبت به یکدیگر وجود دارد. همسری نقش منحصر به فردی را برای فرد دارد تا جایی که بیشترین تعاملات صمیمی‌در رابطه با همسر اتفاق می‌افتد (شاود و اسد[5]، ۲۰۲۰). افزون بر آن سازگاری زناشویی به عنوان یک فرآیند تکاملی در رابطه بین زوجین شمرده شده که به حالتی از تطابق در حوزه‌های مختلف زوجین که ممکن است در آن‌ها تعارض وجود داشته باشد، اطلاق می‌شود. زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی هستند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و وقت و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند (آیدین[6] و همکاران، ۲۰۲۳).

سبک‌های دلبستگی[7] از جمله سازه‌هایی است که در ارتباط با سازگاری زناشویی است (تورمن و دمیرسی[8]، ۲۰۲۱). دلبستگی به معنای پیوند یا رابطه هیجانی با یک فرد دیگر است. در زمینه شکل‌گیری دلبستگی در کودک، نقش خانواده و چگونگی تأمین نیازهای کودک در دوران کودکی نقش مهمی ایفا می‌کند (گولاتی و کلی[9]، ۲۰۲۰). در تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است که کنترل‌هایی که والدین بر رفتار کودکان انجام می‌دهند منجر می‌شود تا کودکان سطوح بالاتری از انطباق فردی، پختگی، هویت و موقعیت‌های درسی و شغلی خود را نشان دهند (چینگ و تاک[10]، ۲۰۱۷). یکی از سبک‌های دلبستگی، نوع اجتنابی است. افراد اجتنابی در مواقعی که فشار روانی خفیفی را تحمل می‌کنند، انتظار دریافت حمایت از سوی مراقب را ندارند. بنابراین آن‌ها اغلب عاطفه را بازداری می‌کنند، از تماس گسترده با مراقب اجتناب می‌کنند و برای جلوگیری از احساس طرد شدن توسط مراقب، فوراً بر محیط تمرکز می‌کنند (کیم و کوه[11]، ۲۰۱۸). از طرفی شواهد پژوهشی نشان می‌دهد زمانی که سبک دلبستگی افراد ناایمن باشد، موجب خشونت فرد با افزاد نزدیک زندگی و بخصوص شریک عاطفی می‌شود (گودبات[12] و همکاران، ۲۰۰۹). گودبات و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که مواجهه با خشونت و خشونت در رابطه اثر منفی و معناداری بر رضایت از رابطه داشتند و دلبستگی نیز نقش واسطه‌ای در بین این متغیرها داشت. موتلو[13] و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که بین دلبستگی مادری با سازگاری زناشویی در مادرانی که

1. Körük & Özabacı
2. Oram et al
3. marital adjustment
4. Kim et al
5. Shaud & Asad
6. Aydin et al
7. Attachment Style
8. Turemen & Demirci
9 Gulati & Kelly
10. Ching & Tak
11. Kim & Koh
12. Godbout
13. Mutlu et al

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

تحصیلات دانشگاهی داشتند، بیشتر از سایر مادران بود. همچنین بین دلبستگی مادری با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری بدست آمد. از این رو پرداختن به متغیر خشونت شریک عاطفی در کنار سبک‌های دلبستگی می‌تواند عامل مهمی برای تخریب سازگاری زناشویی در زنان شود و نبود این خشونت می‌تواند استحکام و سازگاری زناشویی را تقویت کند (گودبات و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین خشونت شریک عاطفی[1] به عنوان یک متغیر مهم در سازگاری زناشویی است.

خشونت شریک عاطفی را می‌توان به عنوان الگویی از خشونت تهدید شده یا واقعی که برای به دست آوردن قدرت و کنترل بر شریک یا عضو یک رابطه صمیمی استفاده می‌شود، تعریف کرد. این خشونت عمدی است که شامل بسیاری از اقدامات است که در طول زمان به شدت افزایش می‌یابد (سوکار[2] و همکاران، ۲۰۲۳). در زندگی زناشویی خشونت افراد نزدیک یا خشونت از سوی افراد صمیمی‌به مواردی مثل خشونت فیزیکی، خشونت یا سوءاستفاده عاطفی (تحقیر، توهین و ...)، خشونت در فضای مجازی، سوءاستفاده مالی و خشونت جنسی اشاره دارد (میلر و مک‌کو[3]، ۲۰۱۹). وجود خشونت فیزیکی و روانی در روابط عاشقانه امری متناقض به نظر می‌رسد. تحقیقات طولی و آینده‌نگرانه به طور واضح نشان‌دهنده پیوند میان مواجهه اولیه با خشونت و خشونت از سوی افراد صمیمی است. علی‌رغم کمپین‌های پیشگیری گسترده، خشونت از سوی نزدیکان در تقریباً ۲۴ درصد از تمامی روابط، همچنان با شدت‌های متفاوت قابل مشاهده است (پیتزمیر و همکاران[4]، ۲۰۲۰). شواهد پژوهشی محدودی به ارتباط بین متغیرهای پژوهش پرداختند، کیانی چلمردی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که همبستگی ادراک ازدواج والدین با رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی مثبت و معنی‌دار و با افسردگی منفی و معنی‌دار است. همبستگی دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی منفی و معنی‌دار و با افسردگی مثبت و معنی‌دار بود. گادبوت و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که مواجهه اولیه با خشونت به صورت مستقیم با سازگاری زناشویی ارتباط دارد. همچنین سبک دلبستگی با سازگاری زناشویی ارتباط داشتند.

در تداوم زندگی زناشویی عوامل متعددی دخیل‌اند و یکی از شرایط اساسی در این امر مهم سازگاری است. سازگاری زناشویی به منزله یکی از مهمترین عوامل در تعیین ثبات و دوام روابط زناشویی مطرح است که عوامل متعددی در آن دخیل هستند. بر اساس شواهد پژوهشی افراد مورد آزار و اذیت یا نادیده گرفته شده در مقایسه با دیگران، دارای میزان بالای کتک‌زنی یا پرتاب اشیاء به طرف شریک زندگی خود هستند. آنها همچنین به‌این نتیجه رسیدند که اختلال شخصیتی ضداجتماعی در بزرگسالان (فریبکاری جهت کسب سود شخصی، تکانشگری، پرخاشگری، عدم پشیمانی) باعث ایجاد اثرات قربانی شدن در دوران کودکی بر ارتکاب به خشونت می‌شود. همچنین از چشم‌انداز دلبستگی، مشاهده خشونت خانگی یا قربانی خشونت والدین بودن باعث به چالش کشیده شدن اعتماد کودک به در دسترس‌پذیری و پاسخگویی والدین می‌شود. کودکان به سادگی نشانه‌های انتقادی، خشم و خشونت والدین را به عنوان طرد یا رها شدن در نظر می‌گیرند. در نتیجه، نیازهای کودکان مواجهه با خشونت والدین با احتمال کمتری توسط مراقبین در دسترس و پاسخگو تحقق یافته و این امر باعث ایجاد اختلال در ایجاد مدل‌های کاری مثبت و درونی خویشتن و دیگران و مدل های ارتباطی سالم می‌شود. لذا پرداختن به متغیرهای همبسته با سازگاری زناشویی می‌تواند در کیفیت ارتباط زناشویی و کیفیت زندگی زناشویی کمک نماید. از این رو هدف از پژوهش حاضر تبیین علی سازگاری زناشویی بر اساس دلبستگی اجتنابی با نقش واسطه‌ای خشونت شریک عاطفی در زنان شهر کرج بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه پژوهش حاضر شامل زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز درمانی شهر کرج در سال ۱۴۰۱ بود. نمونه پژوهش شامل ۴۵۰ زن متأهل بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به دلیل آنکه پژوهش حاضر از سری مطالعات مدل‌یابی ساختاری به شمار می‌آید، جهت برآورد حجم نمونه از روش تعیین حجم نمونه کلاین[5] (۲۰۲۳) استفاده شد. طبق این روش، تعداد سؤالات در ۲/۵ الی ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر نمونه تعیین گردد. همچنین با توجه به پیشنهادات جابست[6] و همکاران (۲۰۲۳) حجم نمونه لازم حداقل ۲۰۰ نفر است. با در نظر گرفتن این ملاک‌ها تعداد ۴۵۰ نفر انتخاب شدند.

1 Intimate Partner Violence
2. Sokar
3. Miller & McCaw
4. Peitzmeier
5. Kline
6. Jobst

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

معیارهای ورود به پژوهش شامل تمایل جهت شرکت در پژوهش، متأهل بودن، دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال، تجربه خشونت شریک عاطفی، مراجعه به مراکز درمانی، عدم مصرف داروهای روانپزشکی و عدم رخداد تنش زا مانند طلاق و فوت نزدیکان بود و معیارهای خروج نیز عدم تکمیل نمودن پرسشنامه به صورت کامل بود. محرمانه بودن اطلاعات کسب شده، جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان پژوهش، عدم انتشار اطلاعات آنها به دیگران و ایجاد یک جو اطمینان‌بخش از جمله ملاحظاتی بود که پژوهشگر مد نظر قرار داد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از دو نرم افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۰ و AMOS نسخه ۲۰ صورت گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه سازگاری زناشویی (DAS[1]): این ابزار توسط اسپانیر[2] و همکاران (۱۹۷۵) برای سنجش سازگاری زناشویی طراحی و تدوین شده است. این ابزار دارای ۳۲ آیتم بوده که دارای ۴ مؤلفه رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت می‌باشد. نمره هر مؤلفه از جمع کردن گویه‌های مربوط به آن بدست می‌آید و نمره کل از حاصل جمع نمرات همه گویه‌ها بدست می‌آید. پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت ۶گزینه‌ای از ۰=همیشه اختلاف داریم تا ۵=توافق دائم داریم قرار دارد. اسپانیر (۱۹۷۶) میزان روایی محتوایی پرسشنامه را ۰/۸۸ و ضریب پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس‌های رضایت دونفری ۰/۹۴، همبستگی دو نفری ۰/۸۱، توافق دو نفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ گزارش کرده است. این ابزار در ایران رواسازی شد و همبستگی آن با پرسشنامه رضایت زناشویی ۰/۵۶ و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۶، رضایت دو نفری ۰/۶۸، همبستگی دو نفری ۰/۷۵، توافق دو نفری ۰/۷۱ و ابراز محبت ۰/۶۱ گزارش شده است (کریمی و اسمعیلی، ۱۳۹۹). پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای کل ابزار ۰/۷۷، رضایت دو نفری ۰/۶۵، همبستگی دو نفری ۰/۶۵، توافق دو نفری ۰/۷۳ و ابراز محبت ۰/۷۴ گزارش شده است.

پرسشنامه خشونت شریک عاطفی (IPV[3]): این پرسشنامه توسط استراوس و همکاران (۱۹۹۶) طراحی شد. پرسشنامه از ۲۰ سؤال تشکیل شده که دو نوع خشونت روانی (۸ آیتم) و خشونت فیزیکی (۱۲ آیتم) را مورد سنجش قرار می‌دهد. بر اساس این پرسشنامه افراد نشان می‌دهند که تا چه حدی هر تاکتیک علیه شرکای زندگی قابل استفاده بوده و هر تاکتیک را از طرف شرکای زندگی و با توجه به روابط فعلی خود حفظ کردند. پرسشنامه بر روی یک طیف هیچ، یک بار، دو بار، ۳-۵ بار، ۶-۱۰ بار، ۱۱-۲۰ بار، ۲۱ بار یا حتی بیشتر قرار دارد و نشان می‌دهد در طی سال گذشته چقدر این موارد اتفاق افتاده است. نمونه آیتم‌های مقیاس خشونت روانی شامل صدا زدن شریک زندگی با عنوان عاشق اکبیری و از بین بردن چیزهای متعلق به شریک زندگی است. مقیاس خشونت فیزیکی شامل آیتم‌هایی مانند هل دادن شریک زندگی و کوبیدن شریک زندگی به دیوار می‌باشد. تدوین‌کنندگان این پرسشنامه میزان روایی محتوایی پرسشنامه را ۰/۷۶ نشان دادند. همچنین میزان پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲، خشونت فیزیکی ۰/۷۸ و خشونت روانی ۰/۷۵ گزارش کردند (استراوس و همکاران، ۱۹۹۶). پناغی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود این ابزار را استفاده کردند و میزان روایی محتوای آن را ۰/۷۷ و پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر میزان پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۵، خشونت فیزیکی ۰/۷۳ و خشونت روانی ۰/۷۰ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (AAI[4]): جهت تعیین سبک دلبستگی از آزمون دلبستگی بزرگسالان هازن و شاور (۱۹۸۷) استفاده شد. این پرسشنامه یک مقیاس خود گزارش‌دهی است که دارای ۱۵ گویه بوده و سه نوع سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت از هرگز (۰) تا تقریباً همیشه (۴) قرار دارد. نمره‌های هر خرده مقیاس با جمع و میانگین گرفتن از ۵ گویه مربوط به خود بدست می‌آیند. هازن و شاور (۱۹۸۷) میزانی روایی محتوای این ابزار را ۰/۷۷ و ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی دوماهه ۰/۸۱ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آوردند. رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۶) میزان روایی پرسشنامه را به روش تحلیل عاملی برای تمامی گویه‌ها بالای ۰/۳ گزارش کردند و ضرایب پایایی پرسشنامه را برای کل آزمون، سبک دوسوگرا، سبک اجتنابی و سبک ایمن با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۸۱ و ۰/۷۷ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای سبک دوسوگرا ۰/۷۳، سبک اجتنابی ۰/۷۲ و سبک ایمن ۰/۷۸ بدست آمد.

1. Dyadic Adjustment Scale
2. Spanier et al
3. Intimate Partner Violence
4. Adult Attachment Inventory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

یافته ها

در این پژوهش ۴۵۰ نفر زن شرکت داشتند. قابل ذکر است که دامنه سنی کلیه زنان شرکت‌کننده در این پژوهش ۲۵ تا ۵۵ سال بود. تعداد ۶۰ نفر تحصیلات دیپلم، ۷۰ نفر کاردانی، ۲۳۰ نفر کارشناسی و ۹۰ نفر کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. تعداد ۲۵۰ نفر خانه‌دار، ۱۲۰ نفر کارمند و ۸۰ نفر شغل آزاد داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن گروه نمونه ۴۱/۴۴±۱۳/۵۵ بود. در ادامه نتایج مربوط به یافته‌های توصیفی ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی و یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. رضایت دونفری	۱								
۲. همبستگی دونفری	۰/۵۲*	۱							
۳. توافق دونفری	۰/۴۳*	۰/۴۶*	۱						
۴. ابراز محبت	۰/۵۴*	۰/۴۷*	۰/۵۱*	۱					
۵. سازگاری زناشویی	۰/۶۲*	۰/۵۴*	۰/۴۸*	۰/۵۶*	۱				
۶. خشونت فیزیکی	-۰/۵۳*	-۰/۴۷*	-۰/۴۴*	-۰/۴۶*	-۰/۵۵*	۱			
۷. خشونت روانی	-۰/۴۷*	-۰/۳۹*	-۰/۴۲*	-۰/۴۵*	-۰/۴۲*	۰/۴۵*	۱		
۸. خشونت شریک عاطفی	-۰/۳۹*	-۰/۴۵*	-۰/۳۷*	-۰/۵۴*	-۰/۴۸*	۰/۵۵*	۰/۵۲*	۱	
۹. دلبستگی اجتنابی	-۰/۴۶*	-۰/۴۷*	-۰/۵۰*	-۰/۴۶*	-۰/۴۸*	۰/۵۱*	۰/۵۵*	۰/۴۸*	۱
میانگین	۳۴/۱۰	۱۷/۲۱	۳۹/۶۱	۱۳/۵۱	۱۰۴/۴۴	۳۵/۲۳	۲۶/۱۳	۶۱/۳۶	۱۳/۹۴
انحراف استاندارد	۴/۸۶	۲/۵۸	۴/۸۴	۳/۰۷	۱۱/۴۲	۵/۵۶	۴/۹۸	۷/۵۳	۳/۸۴
کجی	۰/۱۲	۰/۲۴	۰/۳۴	۰/۲۶	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۴۷
کشیدگی	۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۵۳	۰/۶۰	۱/۳۱	۰/۲۳	۰/۸۳	۰/۹۶	۰/۶۷

* P<۰/۰۱

با توجه به نتایج مشاهده‌شده در جدول ۱ دلبستگی اجتنابی و خشونت شریک عاطفی با سازگاری زناشویی رابطه منفی و معنی‌داری (P<۰/۰۱) داشتند. سایر یافته‌های همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول آمده است. پس از بررسی ماتریس همبستگی و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مفروضات آزمون بررسی شد. داده‌های پرت با استفاده از نمودار (Box Plot) بررسی و نتایج نشان داد هیچ داده پرتی وجود ندارد. نتایج مربوط به کجی و کشیدگی حاکی از نرمال بودن داده‌ها داشت (کوچکتر از ۲±). افزون بر آن مفروضه استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون[1] برقرار بود (DW=۱/۴۵۳). همچنین مفروضه همخطی چندگانه با استفاده از آماره‌های تلرانس و تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد هیچکدام از مقادیر تلرانس بالاتر از ۱ و هیچکدام از مقادیر تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نبوده که نشان از برقراری این مفروضه است. در ابتدا مدل ساختاری پژوهش به شرح زیر آمده است.

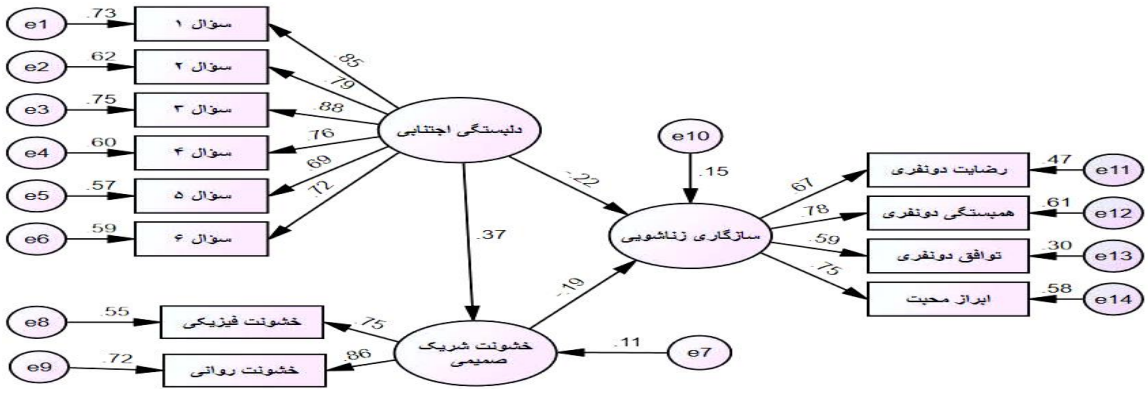

شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش

1. Durbin-Watson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

شکل ۱ مدل بررسی روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود دلبستگی اجتنابی اثر مستقیم، منفی و معنی‌دار و اثر غیرمستقیم، منفی و معنی‌داری بر سازگاری زناشویی داشت. همچنین نقش مستقیم دلبستگی اجتنابی بر خشونت شریک عاطفی و خشونت شریک عاطفی بر سازگاری زناشویی نیز در مدل ارائه شده است. در ادامه ضرایب مستقیم و غیرمستقیم روابط بین متغیرها در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم مدل پژوهش

مسیر	اثر استاندارد	اثر غیر استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	معنی‌داری
دلبستگی اجتنابی ← سازگاری زناشویی	-۰/۲۸۳	-۰/۱۹۹	۰/۰۴۸	-۳/۸۹۰	۰/۰۰۱
خشونت شریک عاطفی ← سازگاری زناشویی	-۰/۱۹۲	-۰/۱۶۱	۰/۰۶۹	-۳/۲۲۳	۰/۰۰۷
دلبستگی اجتنابی ← خشونت شریک عاطفی	۰/۳۷۴	۰/۳۵۹	۰/۰۳۷	۵/۸۷۵	۰/۰۰۱

نتایج بدست آمده از جدول ۲ نشان داد که دلبستگی اجتنابی (β= -۰/۲۸۳) و خشونت شریک عاطفی (β= -۰/۱۹۲) بر سازگاری زناشویی اثر مستقیم، منفی و معناداری دارند. همچنین دلبستگی اجتنابی (β = ۰/۳۷۴) بر خشونت شریک عاطفی اثر مستقیم، مثبت و معنی‌داری دارد. در ادامه اثرات غیر مستقیم مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون بوت استراپ جهت بررسی اثرات غیر مستقیم مدل پژوهش

مسیر	شاخص‌های اندازه‌گیری				
	اندازه اثر استاندارد	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا	معنی‌داری
دلبستگی اجتنابی ← خشونت شریک عاطفی ← سازگاری زناشویی	-۰/۱۰۶	۰/۰۷۵	-۰/۰۹۸	-۰/۰۱۸	۰/۰۱۷

پس از بررسی اثرات مستقیم، به اثر غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش پرداخته شد. برای این امر از روش بوت‌استراپ استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیر دلبستگی اجتنابی (β= -۰/۱۰۶) اثر غیرمستقیم، منفی و معناداری بر سازگاری زناشویی با نقش میانجی خشونت شریک عاطفی دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود حدپایین و حد بالا برای این ارتباط منفی بوده و صفر در این بازه قرار ندارد و می‌توان استنباط نمود که این اثر معنی‌دار می‌باشد. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین‌شده

شاخص	X^2/df	DF	RMSEA	NFI	IFI	CFI	GFI	AGFI
ملاک برازش	٭ ≤ ۳	-	٭ ≥۰/۱۰	٭ ≥۰/۹۰	٭ ≥۰/۹۰	٭ ≥۰/۹۰	٭ ≥۰/۹۰	٭ ≥۰/۹۰
آماره پژوهش حاضر	۱۶/۵۱۸	۷	۰/۰۶۶	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۲

برای برازندگی مدل هر مقدار شاخص برازندگی تقسیم X^2 بر درجه آزادی کوچکتر از ۳ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار بدست آمده در پژوهش ۲/۳۶ بود که حاکی از برازش مدل بود. همچنین به طور کلی هرچه مقدار IFI، CFI، GFI و AGFI به یک نزدیکر باشد و برابر و یا بالاتر از ۰/۹۰ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل است. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده برای چهار شاخص ذکر شده به در پژوهش حاضر برابر یا بالاتر از۰/۹۰بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. برای شاخص RAMSEA نیز مقدار ۰/۱۰ و کمتر از آن بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با ۰/۰۶۶ بود. به طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده برای شاخص‌های برازش در سطح مطلوبی قرار دارند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تبیین علی سازگاری زناشویی بر اساس دلبستگی اجتنابی با نقش واسطه‌ای خشونت شریک عاطفی در زنان شهر کرج بود. نتایج این مطالعه نشان داد دلبستگی اجتنابی اثر منفی، مستقیم و معنی‌داری بر سازگاری زناشویی دارد. این یافته با نتایج مطالعات کیم و کوه (۲۰۱۸)، کیم و همکاران (۲۰۱۸) و میلر و مک‌کاو (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که افراد دارای سبک ناایمن به خود و دیگران اعتماد کمی دارند، به سختی رابطه برقرار می‌کنند و در روابطشان صداقت و رفاقت وجود ندارد، از ارتباطات خود لذت نمی‌برند و نگران طرد شدن هستند و بی‌ثبات عاطفی و هیجانی را نشان می‌دهند (کیم و همکاران، ۲۰۱۸). این ویژگی‌های همسران ناایمن و اجتنابی را در جلب احترام و حمایت همسر سرافکنده می‌کند و زمینه اجتماعی یک ارتباط سالم را از بین می‌برد. در زندگی زناشویی نیز این افراد با ایجاد ارتباط ناسالم و نابهنجار با همسر خود شرایط بروز مشکلات را به حداکثر می‌رسانند (کیم و کوه، ۲۰۱۸). همچنین سبک دلبستگی اجتنابی به عنوان عاملی مخاطره‌آمیز در برابر آسیب‌های ارتباطی عمل می‌کنند. کسانی که سبک دلبستگی اجتنابی دارند در جستجوی مراقبت بالا، صمیمیت، پذیرش و پاسخگویی از جانب شریکشان هستند و وابستگی بیش از حدی دارند. افراد با سبک دلبستگی کمتر می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، دیدگاه‌های مثبت کمتری نسبت به خود و شریکشان دارند و سطوح بالایی از نگرانی و تکانشوری را در روابطشان نشان می‌دهند (میلر و مک‌کاو، ۲۰۱۹). این وابستگی بیش از حد و برخوردهای تکانشی به کیفیت روابط زناشویی آسیب وارد می‌کند. افرادی که در طی دوران رشد دلبستگی ناایمنی با مراقبان خود داشته‌اند، در بزرگسالی روابط ناایمن‌تری را در تعاملات خود پیش‌بینی خواهند کرد و این تفسیر و پیش‌بینی باعث کاهش دوام و کیفیت روابط خواهد شد.

از سوی دیگر، نتایج این مطالعه نشان داد خشونت شریک عاطفی با فرد می‌تواند سازگاری زناشویی را کاهش دهد. این یافته با نتایج پژوهش‌های اورام و همکاران (۲۰۱۷)، پیتزیمر و همکاران (۲۰۲۰) و آکینسی و آکات[1] (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که وقوع خشونت از جانب یکی از همسران می‌تواند باعث ایجاد ترس و ناامنی در همسر دیگر شود. این ترس و ناامنی ممکن است باعث شود که همسر متضرر از خود بپرهیزد و به دلیل ترس از وقوع خشونت دیگر، از برقراری ارتباطات صمیمانه و سازنده با همسر خود اجتناب کند. در این رابطه، خشونت معمولاً منجر به ایجاد فاصله عاطفی بین همسران می‌شود. افراد متضرر از خشونت ممکن است به دلیل آسیب‌های روحی و جسمی که دریافت کرده‌اند، از ارتباطات عمیق و صمیمی با همسرشان فاصله بگیرند، که این موضوع منجر به کاهش سازگاری و رضایت در رابطه می‌شود (اورام و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین خشونت می‌تواند باعث از بین رفتن اعتماد و احترام متقابل بین همسران شود و باعث شود که انتظار از یکدیگر برای حل مسائل و رفع اختلافات کاهش یابد. به این ترتیب، توانایی همکاری و حل مسائل به شکل سالم و مثبت کاهش می‌یابد که این امر می‌تواند منجر به کاهش سازگاری زناشویی گردد. وقوع خشونت، به عنوان یک نقض از اعتماد و احترام متقابل، باعث می‌شود که هر یک از همسران دچار احساس ناامنی و بی‌اعتمادی شوند (پیتزیمر و همکاران، ۲۰۲۰). این احساسات ناامنی می‌تواند باعث شود که هر یک از آن‌ها کمتر به همسر خود اعتماد کنند و برای حل مسائل و رفع اختلافات انتظار کمتری از یکدیگر داشته باشند. این موضوع باعث کاهش توانایی همکاری و حل مسائل به شکل سالم و مثبت می‌شود. اگر همسران از اعتماد و احترام به یکدیگر محروم شوند و انتظار برای حل مسائل کاهش یابد، روابط زناشویی آن‌ها با مشکلات و تنش‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد که این امر می‌تواند به کاهش سازگاری زناشویی منجر گردد (آکینسی و آکات، ۲۰۲۳). بنابراین وقوع خشونت می‌تواند باعث شود که هریک از همسران ناامید شده و کمتر از این که به یکدیگر اعتماد کنند، به انتظارهای کاهش یافته برای حل مسائل و رفع اختلافات برسند. به این ترتیب، توانایی همکاری و حل مسائل به شکل سالم و مثبت کاهش می‌یابد و روابط زناشویی با مشکلات و تنش‌های بیشتری روبرو می‌شوند که این امر می‌تواند به کاهش سازگاری زناشویی منجر گردد.

افزون بر آن نتایج نشان داد دلبستگی اجتنابی از طریق خشونت شریک عاطفی موجب کاهش سازگاری زناشویی شود. این یافته با نتایج مطالعات پیشین پناغی و همکاران (۱۳۹۰)، کیم و کوه (۲۰۱۸)، کیم و همکاران (۲۰۱۸) و کروک و اوزاباچی (۲۰۲۳) همسو بود. در رابطه با این یافته باید عنوان کرد که دلبستگی اجتنابی می‌تواند به افزایش خشونت شریک عاطفی منجر شود که خود سازگاری زناشویی را کاهش دهد. زنانی که به دلبستگی اجتنابی دچار هستند، ممکن است با استرس و اضطراب زیادی روبرو شوند. این استرس و اضطراب می‌تواند به عنوان یک فاکتور مهم در افزایش ناامنی و اغتشاش در روابط خانوادگی عمل کند که در نتیجه می‌تواند به خشونت خانگی منجر شود. استرس و اضطراب ناشی از دلبستگی اجتنابی می‌تواند ناشی از ترس از ناکامی در روابط یا از دست دادن عزیزان باشد. زنانی

1. Ekinci & Akat

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

که از دلبستگی اجتنابی رنج می‌برند، ممکن است احساس کنند که نیازها و احساساتشان مهم نیستند و از برقراری روابط عمیق با دیگران بپرهیزند و احساس سازگاری زناشویی را نادیده می‌گیرند (پناغی و همکاران، ۱۳۹۰). این امر می‌تواند منجر به فرار از روابط و ایجاد فاصله با افراد محیط خانواده شود، که به طور مستقیم باعث افزایش ناامنی و اغتشاش در روابط خانوادگی می‌شود. به عبارت دیگر، استرس و اضطراب ناشی از دلبستگی اجتنابی می‌تواند به عنوان یک سوءتفاهم مهم در روابط خانوادگی عمل کند و باعث ایجاد برهم‌کنش‌های منفی و خشونت‌آمیز در آن‌ها شود (کروک و اوزاباچی، ۲۰۲۳). این امر می‌تواند موجب ایجاد یک محیط ناامن و پرتنش در خانواده شود که در نهایت به وقوع خشونت خانگی منجر می‌شود. علاوه بر این، دلبستگی اجتنابی ممکن است باعث افزایش ناراحتی‌ها و تنش‌ها در روابط خانوادگی شود. این ناراحتی‌ها و تنش‌ها می‌توانند به عنوان یک زمینه مغذی برای افزایش خشونت خانگی عمل کنند و موجب تشدید و توسعه آن شوند که خود ناسازگاری زناشویی را به همراه خواهد داشت (پناغی و همکاران، ۱۳۹۰). زمانی که این ناراحتی‌ها و تنش‌ها بیشتر می‌شوند، ممکن است افراد به دنبال راه‌هایی برای تخلیه احساسات منفی خود باشند. در برخی موارد، این تخلیه احساسات ممکن است از طریق خشونت و خشونت خانگی صورت گیرد. تنش‌ها و ناراحتی‌ها می‌توانند باعث ایجاد یک محیط ناامن و ناپایدار در خانواده شوند که این محیط می‌تواند بازتابی مخرب در روابط فردی داشته باشد و در نهایت به افزایش خشونت خانگی و ناسازگاری زناشویی منجر شود؛ بنابراین، دلبستگی اجتنابی می‌تواند به عنوان یک عامل زمینه‌ای اصلی برای افزایش خشونت خانگی عمل کند که خود سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهد.

به صورت کلی می‌توان گفت دلبستگی اجتنابی، خشونت شریک عاطفی و کاهش سازگاری زناشویی می‌توانند با یکدیگر در ارتباط باشند و یک چرخه ناسازگاری را شکل دهند. به عبارت دیگر، این متغیرها ممکن است به طور متقابل تأثیرگذار باشند و باعث تقویت یکدیگر شوند. زنانی که ناامنی‌های روانی تجربه می‌کنند، ممکن است به الگوهای رفتاری ناسازگار، از جمله دلبستگی اجتنابی، روی آورده و در روابط زناشویی خود از راه‌های ناسازگار مانند خشونت استفاده کند. بنابراین بر اساس نتایج این مطالعه دلبستگی اجتنابی به صورت مستقیم و غیر مستقیم با میانجی‌گری خشونت شریک عاطفی باعث کاهش سازگاری زناشویی در زنان شهر کرج شده است.

در پایان باید گفت که هر پژوهشی با توجه به امکانات و موقعیتی که در آن به اجرا درآمده است دارای محدودیت‌هایی است. مهمترین محدودیت این مطالعه روش نمونه‌گیری دردسترس بود. با توجه به نمونه پژوهش، اکثریت آن را زنان بالای ۴۰ سال با تحصیلات دانشگاهی هستند (بیش از ۸۰ درصد از حجم نمونه) که در تعمیم نتایج به زنان جوان که مدت کوتاهی از ازدواج آن‌ها می‌گذرد باید احتیاط نمود. همچنین تفاوت‌های فرهنگی (زنان شهر کرج) در پژوهش حاضر لحاظ نشده لذا جهت تعمیم نتایج، به سایر جوامع و فرهنگ‌ها باید دقت کرد. پیشنهاد می‌شود از گستره سنی جوان و نیز افراد دارای سابقه یک یا چند ترومای دوران کودکی تأیید شده و نیز خانواده‌های سنتی هستند، استفاده گردد. همچنین از نمونه مردان به صورت جداگانه می‌توان در تکرار پژوهش حاضر بهره برد تا اطلاعات دقیق‌تری از تفاوت جنسیتی در این مورد کسب کرد. همچنین این پژوهش یافته‌هایی را در زمینه عوامل مرتبط با سبب‌شناسی و پیش‌آگهی مشکلات زناشویی اعم از سبک دلبستگی اجتنابی مطرح ساخت که می‌تواند در کارآزمایی‌های بالینی و فرمول‌بندی‌های درمانی مدنظر قرار گیرد و علاوه بر این والدین را از مزیت‌ها و مخاطرات پیش روی کودکان خود آگاه نماید تا با راهکارهای سازمان‌یافته به ارتقا سطح عملکردی و رفتاری فرزندان خود نائل آیند. در نهایت پژوهشگران از کلیه افراد شرکت‌کننده در این مطالعه تقدیر و تشکر می‌کنند.

منابع

پناغی، ل؛ دهقانی، م؛ عباسی، م؛ محمدی، س و ملکی، ق. (۱۳۹۰). بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های حل تعارض. *مجله خانواده پژوهی*، ۷(۲۵)، ۱۱۷-۱۰۳. https://jfr.sbu.ac.ir/article_95844.html

رحیمیان بوگر، ا؛ نوری، ا؛ عریضی، ح؛ مولوی، ح و فروغی مبارکه، ع. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی بزرگسالی با رضایت شغلی و استرس شغلی در پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۳(۲)، ۱۵۷-۱۴۸. https://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-165-fa.html

کریمی، س و اسمعیلی، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و تاب آوری با سازگاری زناشویی معلمان زن. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹(۸۷)، ۲۹۸-۲۹۱. 10.29252/psychosci.19.87.291

کیانی چلمردی، ا؛ شهبازی، ن؛ حسن‌زاده، ا و جمشیدیان نایینی، ی. (۱۴۰۰). پیش بینی سازگاری- رضایت زناشویی و آشفتگی روان شناختی (افسردگی و اضطراب) در زنان متاهل بر اساس ادراک ازدواج والدین و سبک های دلبستگی. *مجله رویش روانشناسی*، ۱۰(۶)، ۱۰-۱. http://frooyesh.ir/article-1-2726-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

Ahmadi, Z., Mehri, A., Nadrian, H., Hashemian, M., & Rahayy, Z. (2018). Surveying the Degree of Domestic Violence against Women and its effective factors in Married Women in Sabzevar. *Asian Pacific Journal of Environment and Cancer*, *1*(1), 49-53. 10.31557/apjec.2018.1.1.49-53

Ching, K. H., & Tak, L. M. (2017). The structural model in parenting style, attachment style, self-regulation and self-esteem for smartphone addiction. *IAFOR Journal of Psychology & the Behavioral Sciences*, *3*(1), 85-103. 10.22492/ijpbs.3.1.06

Ekinci, N., & Akat, M. (2023). The relationship between anxious-ambivalent attachment and social appearance anxiety in adolescents: the serial mediation of positive Youth Development and Instagram Addiction. *Psychological reports*, *126*(5), 2465-2488. https://doi.org/10.1177/00332941231159600

Godbout, N., Daspe, M. È., Lussier, Y., Sabourin, S., Dutton, D., & Hébert, M. (2017). Early exposure to violence, relationship violence, and relationship satisfaction in adolescents and emerging adults: The role of romantic attachment. *Psychological trauma: Theory, research, practice, and policy*, *9*(2), 127. https://doi.org/10.1037/tra0000136

Godbout, N., Dutton, D. G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (2009). Early exposure to violence, domestic violence, attachment representations, and marital adjustment. *Personal Relationships*, *16*(3), 365-384. https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2009.01228.x

Gulati, G., & Kelly, B. D. (2020). Domestic violence against women and the COVID-19 pandemic: What is the role of psychiatry? *International journal of law and psychiatry*, *71*, 101594. 10.1016/j.ijlp.2020.101594

Hazan, C., & Shaver, P. (2017). Romantic love conceptualized as an attachment process. In *Interpersonal development* (pp. 283-296). Routledge. 10.4324/9781351153683-17

İyiaydın, A. A., & Sümer, Z. H. (2023). The mediational role of intimate partner acceptance and psychological adjustment in the relationship between intimate partner control and marital adjustment. *Current Psychology*, *42*(2), 1598-1608. https://doi.org/10.1007/s12144-021-01468-2

Jobst, L. J., Bader, M., & Moshagen, M. (2023). A tutorial on assessing statistical power and determining sample size for structural equation models. *Psychological Methods*, 28(1), 207. doi: 10.1037/met0000423

Khosravi, A., Bassami, M., & Ghasemi, M. (2021). Iran's Legislative criminal policy for Forbidding Violence against women. *Political Sociology of Iran*, *4*(2), 249-264. 10.30510/psi.2022.296097.2021

Kim, E., & Koh, E. (2018). Avoidant attachment and smartphone addiction in college students: The mediating effects of anxiety and self-esteem. *Computers in Human Behavior*, *84*, 264-271. https://doi.org/10.1016/j.chb.2018.02.037

Kim, J. H., Shin, H. S., & Yun, E. K. (2018). A dyadic approach to infertility stress, marital adjustment, and depression on quality of life in infertile couples. *Journal of Holistic Nursing*, *36*(1), 6-14. 10.1177/0898010116675987

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. https://www.guilford.com/books/Principles-and-Practice-of-Structural-Equation-Modeling/Rex-Kline/9781462523344

Körük, S., & Özabacı, N. (2023). How do early maladaptive schemas and family functions predict dyadic marital adjustment? A test on Turkish married individuals. *Journal of Sex & Marital Therapy*, *49*(7), 772-782. 10.1080/0092623X.2023.2195857

Miller, E., & McCaw, B. (2019). Intimate partner violence and psychological distress: opportunities for prevention and early intervention among emerging adult women. *Journal of Women's Health*, *28*(8), 1013. 10.1089/jwh.2019.7918

Mutlu, B., Erkut, Z., Yıldırım, Z., & Gündoğdu, N. (2018). A review on the relationship between marital adjustment and maternal attachment. *Revista da Associação Médica Brasileira*, *64*, 243-252. 10.1590/1806-9282.64.03.243

Oram, S., Khalifeh, H., & Howard, L. M. (2017). Violence against women and mental health. *The Lancet Psychiatry*, *4*(2), 159-170. 10.1016/S2215-0366(16)30261-9

Peitzmeier, S. M., Malik, M., Kattari, S. K., Marrow, E., Stephenson, R., Agénor, M., & Reisner, S. L. (2020). Intimate partner violence in transgender populations: Systematic review and meta-analysis of prevalence and correlates. *American journal of public health*, *110*(9), e1-e14. doi/10.2105/AJPH.2020.305774

Shaud, S., & Asad, S. (2020). Marital adjustment, convergent communication patterns, and psychological distress in women with early and late marriage. *Current Psychology*, *39*, 2326-2333. https://doi.org/10.1007/s12144-018-9936-1

Sokar, S., Greenbaum, C. W., & Haj-Yahia, M. M. (2023). Exposure to parental violence during childhood and later psychological distress among Arab adults in Israel: the role of gender and sense of coherence. *Journal of interpersonal violence*, *38*(1-2), 588-612. 10.1177/08862605221082741

Spanier, G. B., Lewis, R. A., & Cole, C. L. (1975). Marital adjustment over the family life cycle: The issue of curvilinearity. *Journal of Marriage and the Family*, 263-275. https://www.jstor.org/stable/350960

Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S. U. E., & Sugarman, D. B. (1996). The revised conflict tactics scales (CTS2) development and preliminary psychometric data. *Journal of family issues*, *17*(3), 283-316. 10.1177/019251396017003001

Turemen, M., & Demirci, H. (2021). The Effect of Father–Infant Skin to Skin Contact on Father's Attachment and in Marital Adjustment: A Randomized Controlled Trial. https://journalajpcb.com/index.php/AJPCB/article/view/64

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-10]